

## مدارس و کتابخانه‌های شوشتر در دوره قاجار

مسعود ولی عرب<sup>۱</sup>

پروانه یار علی<sup>۲</sup>

محمدعلی شرف‌الدین شوشتری<sup>۳</sup>

### چکیده

در شهر شوشتر، بسیاری از بازرگانان و تجار در ساخت امکان فرهنگی، پیشگام بوده‌اند. از جمله آن‌ها محمد تقی خان کلاتر را می‌توان نام برد؛ که در دوره حکومت فتحعلی خان فرزند واخوشتی خان (۱۰۷۸-۱۱۰۶ هـ ق) در ساخت مدرسه برای سید نعمت‌الله جزایری پیش قدم بوده است. همچنین عالمان دینی نیز در احداث و توسعه کتابخانه‌های شوشتر اهتمام داشته‌اند. به عنوان نمونه کتابخانه خاندان شرف‌الدین شوشتری، کتابخانه سید میر عبدالوهاب مرعشی، کتابخانه سادات شوشتر، کتابخانه سید نعمت‌الله جزایری، کتابخانه شیخ جعفر شوشتری را می‌توان ذکر کرد.

در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که کتابخانه‌ها و مدارس شوشتر چه تاثیری در حیات فرهنگی این شهر در دوره قاجاریه داشته‌اند و تا چه اندازه فقیهان و عالمان دینی و مورخان برجسته‌ای پرورش داده‌اند؟ فرضیه ما این است که شوشتر با داشتن مدارس و کتابخانه‌های فراوان، دانشوران و دانشمندان زیادی در خود پرورش داده است. ویژگی بارز کتابخانه‌های شوشتر پربار بودن این کتابخانه‌ها از کتاب‌های حوزوی بوده است و مدارس بیشتر به شیوه حوزوی و مذهبی برگزار می‌شده است و نحوه تدریس مبتنی بر کتاب‌های اساسی فقه شیعه و منطق و کلام و صرف و نحو عربی بوده است و مسولیت نظارت بر مدارس و کتابخانه‌های شوشتر را سادات مرعشی، جزایری، و مشایخ بزرگ خاندان شیخ شوشتری و شرف‌الدین شوشتری بر عهده داشته‌اند. پژوهش حاضر، بر اساس نسخه خطی کتاب تاریخ شوشتر آفایشیخ مهدی شرف‌الدین شوشتری می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** شوشتر، قاجاریه، مدرسه، کتابخانه، عالمان دینی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خلیج فارس بوشهر M.valiarab@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه شهید چمران اهواز

<sup>۳</sup> پژوهشگر تاریخ محلی شوشتر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۷

شوشتر شهر علم و دانش بوده است، با این وجود تا دوره ایلخانان مغول اطلاعی از کتابخانه‌ها و مدارس شوشتر وجود ندارد. تنها استثنا مدرسه سهل بن عبدالله شوشتری که برخی از منابع به آن اشاره کرده‌اند؛ اما محل دقیق آن در شوشتر مشخص نیست. در شهر شوشتر یکی از صفات پسندیده فرهنگی، وجود کتابخانه، مدرسه، مسجد، دریک مکان وسیع بوده است. مثلاً مسجد جزایری (مدرسه و کتابخانه جزایری) همه در یک مکان وجود داشته است. از جمله این فقیهان و عالمان دینی شوشتر که برخاسته از این مدارس بوده‌اند، می‌توان قاضی نورالله شوشتری مرعشی نویسنده کتاب‌های مجالس المومنین و ازهاق الحق و ابطال الباطل، علامه سید نعمت الله جزایری صاحب کتاب الانوار النعمانیه و علامه جعفر شیخ شوشتری مؤلف کتاب الخصائص الحسینه و علامه محمد تقی شیخ شوشتری نویسنده کتاب قاموس الرجال را اشاره کرد؛ و برخی از فقیهان شوشتر، در زمینه تاریخ نیز علاقه مند بودند و کتاب‌های تاریخی نگاشته‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان، علاءالملک مرعشی نویسنده کتاب فردوس در تاریخ شوشتر، سید عبدالله شوشتری صاحب کتاب تذکره شوشتر، میرعبدالطیف خان شوشتری مؤلف کتاب تحفه العالم را نام برد. آخرین مورخ بزرگ شوشتر که فقیه نیز بوده آقاشیخ مهدی شرف الدین شوشتری است که پژوهش حاضر بر پایه کتاب خطی تاریخ شوشتر او نگاشته شده است.



خاندان شرف الدین که از نوادگان سهل بن عبدالله شوشتری (متوفی ۲۸۳ هـ.ق) می‌باشند. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/۲۳۸-۲۳۷) خاندان شرف الدین در مدت هزار و دو بیست سالی که در شوشتر بوده‌اند، کتاب‌ها و حاشیه نوشته‌های فراوانی درباره اسناد و وقف نامه‌ها و اجازه نامه‌هایی در اختیار داشته‌اند. که در لابه لای این اسناد و ادعیه

و وقف نامه ها و اجازه نامه ها، مطالب زیادی درباره شوشتر و تاریخ محلی آن، ثبت نموده‌اند.

کتاب تاریخ شوشتر نسخه خطی آقا شیخ مهدی شرف الدین (متوفی ۱۳۵۳ هـ.ش) در سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۳۸ هـ.ش به رشته تحریر درآمده است. این کتاب، آخرین تاریخ محلی شوشتر محسوب می‌شود. آقا شیخ مهدی شرف الدین، مؤلف کتاب، با در اختیار داشتن متون اسناد و... مطالب فراوانی پیرامون مزارات و بقاع متبرکه و کتابخانه‌ها و مدارس در شوشتر ذکر نموده است که در هیچ یک از کتاب‌های پیشین درباره شوشتر، چنین اطلاعاتی گسترده و مفصلی در این زمینه وجود ندارد.

#### پیشینه آموزش در شوشتر عصر قاجار

در شوشتر، تقریباً بیش از ۳۰ مکتب‌خانه بود که به منزله کلاس‌های ابتدایی امروزه محسوب می‌شدند و هر کدام از ۳۰ نفر شاگرد داشتند. دوره تحصیلات این مکاتیب از دو سال نهایت تا سه سال بیشتر نبود. برنامه تحصیلات آن‌ها الف با عمه جزء، قرآن، منشآت، ترسل، کلیات یا گلستان سعدی و کتب شعری از قبیل حافظ و خمسه نظامی و شاهنامه فردوسی و خط و حساب سیاق. خط را تا مدتی سر لوح چوبی می‌نوشتند برای قوت دست. بعد بر سر کاغذ می‌نوشتند. تحصیلات و معلوماتشان بیشتر از دوره شش کلاسه امروزه بود. این زمان شاگرد عمری صرف می‌نماید، بالاخره تحصیلات صحیحی ندارد. از تجوید و قرائت قرآن به کلی بی‌بهره است. بعد از بر هم خوردن مدارس علمیه مذکوره و خرابی و تعطیل آن‌ها، به واسطه جنگ‌های داخلی، حوزه‌های علمی زیادی در منازل اهل علم بر پا بود و علمای زیادی از آن حوزه‌ها بیرون آمد. (شرف الدین، بی‌نا: ۴۰)

شوشتر مرکز ایالت خوزستان، شهری بزرگ با مدارس، حوزه‌های علمیه، مجامع علمی و نیز دارای کاروانسراها، بازارها، مساجد، عمارت‌های عالی و کتابخانه‌های ارزشمندی





شد. شوشتر در زمینه فرهنگی در این دوران رشد نمود. شهر کهن شوشتر در مقام مرکز علمی، دینی و فرهنگی موقعیت خود را حفظ کرد. و خاندان‌های بومی شوشتر مثل سادات تلغری (تلغری، قیری) و مرعشی و خاندان جزایری، آل طیب و خاندان شیخ شوشتری، خاندان شرف الدین شوشتری، به پیشرفت فرهنگی این شهر یاری رساندند. (طهرانی، ۱۴۰۸: ۴۴۴/۲۱؛ شوشتری، ۱۳۶۳: ۶۵؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۱۲۳)

در دوره قاجاریه، به خاندان شیخ شوشتری و شرف الدین شوشتری و سادات مرعشی و جزایری و آل طیب و... می‌توان اشاره نمود که قدرت فرهنگی وسیعی داشته‌اند و خطیبان و دانشوران و دانشمندان برجسته‌ای پرورش داده‌اند. هریک از این خاندان‌ها مدارس و کتابخانه‌ها و مساجد مخصوص به خود را داشته‌اند و هر یک در محله‌ای جداگانه مسول تربیت اسلامی، نسل جدید را بر عهده داشته است. خاندان شرف الدین (مسجد، مدرسه، کتابخانه) ایشان در محله دلدل از محلات موگهی بوده است. خاندان شیخ شوشتری (مسجد، مدرسه، کتابخانه) آن‌ها در محله میدان شیخ محلات موگهی (نعمت خانه) وجود داشته است و خاندان مرعشی (مسجد، مدرسه، کتابخانه) آن‌ها در محله اشکفتی - عبدالله بانو از محلات کهواز (حیدرخانه) شوشتر بوده است. (ولی عرب، تحقیقات میدانی، ۱۳۹۴-۱۳۹۳)

هدف از تعلیم و تربیت اسلامی، تنها آموزش و پرورش فکر نبوده است؛ بلکه به کل وجود شخص عنایت می‌شد. معلم فقط ناقل دانش و معرفت نبود؛ بلکه مربی و شخصیت انسان‌ها نیز شمرده می‌شد. یکی از انگیزه‌های قوی برای کسب دانش، که بیشتر شامل علوم دینی بود، مسائل اعتقادی و به طور کلی تبلیغ دین بود. بیشتر طالبان دانش، شیفتگان واقعی آن بودند که نه از سر نیاز مادی، بلکه از روی شوق در این وادی گام می‌نهادند. از تفاوت‌های حوزه تعلیم و تربیت شیعه و سنی، علاوه بر محور بودن ائمه اطهار (ع)، پرداختن مدارس شیعی به مسائل فلسفی و عرفانی بود.

در مدارس، صرف و نحو، لغت، بیان و منطق، در نخستین مراحل تحصیل، تدریس می‌شد و زمانی که دانش آموز، قادر به فهمیدن متن عربی می‌شد، شایستگی ورود به مرحله تخصصی را پیدا می‌کرد و به فرا گرفتن علوم دینی، همچون: تفسیر قرآن، علم کلام، رجال، حدیث، فقه و اصول، همت می‌گماشت یا به تحصیل حکمت و علوم طبیعی و ریاضی و یکی از فنون شاعری و دبیری و منجمی و... می‌پرداخت.

(خضری و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۸۶ تا ۲۸۸-۲۹۶-۲۹۸)

### مدرسه سهل بن عبدالله

جامع بین شریعت و طریقت مدرسه‌ای در شوشتر داشته که زیاده از چهار صد نفر عالم و بعضی چهار هزار نفر گفته‌اند از آن مدرسه بیرون آمدند. محل آن مدرسه معلوم نیست. سهل مدرسه‌ای نیز در بصره داشته به نام مدرسه سالمند که از علمای خارج از آن مدرسه مکی ابن ابوطالب بوده است. (شرف الدین، بی تا: ۳۲) حلاج از دانش آموختگان مدرسه سهیله بوده است؛ حسین بن منصور حلاج از شاگردان مشهور سهل بن عبدالله تستری، بوده است که در سال ۳۰۹ هـ.ق در زمان خلافت مقتدر عباسی به قتل رسید. ابن طقطقی درباره او نگاشته است: «حلاج که نامش حسین بن منصور و اصلش از مردم فارس بود. و در واسط و به قولی در شوشتر پرورش یافت، و با صوفیان آمیزش کرد، و نزد سهل (بن عبدالله) تستری به شاگردی پرداخت سپس به بغداد آمده با ابوالقاسم جنید بغدادی ملاقات کرد. (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۳۵۶-۳۵۵) مکی بن ابوطالب از دیگر دانش آموختگان مدرسه سهیله بوده است؛ نام کامل او همانگونه که در عنوان و اول کتاب قوت القلوب آمده است «الشیخ ابوطالب محمد بن علی بن عطیه الحارثی المکی» می‌باشد. «ابوطالب مکی زاهد و عارفی که در اصل از مردم جبل ایران بود و چون در مکه پرورش یافته بود، به مکی معروف شد. قوت بضم قاف و سکون واو و در آخر تاء مبسوطه و قوت القلوب نام کتابی است معروف



در آداب و دقایق تصوف تألیف ابو طالب محمد بن علی بن عطیه حارثی واعظ مکی متوفی در سنه ۳۸۶ هـ ق است. (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۰۰) خطیب بغدادی در کتاب تاریخ بغداد خود از ابوطالب مکی نام برده است. «محمد بن علی بن عطیه، أبو طالب المعروف بالمکی: صنف کتابا سماه «قوت القلوب» علی لسان الصوفیه، ذکر فيه أشياء منکره مستشعنه فی الصفات، و حدث عن علی بن أحمد المصیصی، و أبی بکر المفید، و غیرهما. و امتنع المکی [من الوعظ] فی جمادی الآخره من سنه ست و ثمانین و ثلاثمائہ (۳۸۶ هـ ق)». (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ ق: ۳۰۴/۳)

### مدرسه شیخ موسی شرف الدین و مدرسه شیخ اسماعیل قصری

ابن بطوطه در سفرنامه خود گوید: در شوشتر در مدرسه امام شرف الدین موسی بن امام صدرالدین سلیمان که از اولاد سهل بن عبدالله است، منزل کردم. این شیخ مردی بود، دارای مکارم اخلاق و فضائل بسیار و جامع بین مراتب دین و دانش. من شانزده روز در آن مدرسه ماندم، نه نظم و ترتیب آن را در جایی دیدم و نه لذیذتر از غذاهای آنجا غذایی خوردم. ابن بطوطه در سال ۷۲۷ هـ ق به شوشتر آمده است. از این مدرسه فعلاً آثاری نیست. (شرف الدین، بی تا: ۳۳؛ ابن بطوطه،

۱: ۱۳۷۶ / ۲۳۸-۲۳۷)

شیخ اسماعیل قصری را محمد بن اسماعیل بن عبداللطیف بن غیاث الدین محمد بن شیخ الوری کهف الدین اسماعیل القصری در محله جهنیه شوشتر به تاریخ ۷۶۵ هـ ق با خانقاه و مسجد بنا نمود. چنان که مرحوم آقا سید عبدالله در فصل ۲۸ تذکره شوشتر ذکر آن نموده و شرح حال موقوفات آن مدرسه و مسجد و خانقاه در ذکر مساجد گذشت. از این مدرسه اثری نیست به جز مقبره‌ای متصل به مسجد حاج شیخ جعفر به نام مقبره شیخ اسماعیل قصری و مدرسه و مسجد و خانقاه موقوفاتی داشته‌اند که ذکر آن‌ها گذشت. (شرف الدین، بی تا: ۳۳)

## مدرسه میرشکار و مدرسه جزایری

اسفندیار بیکای میرشکاریکی از حکام و اعیان شوشتر در زمان شاه سلطان حسین صفوی و نادر شاه افشار بوده، در ماه ربیع الثانی سال هزار و صد و چهل و سه (۱۱۴۳ هـ ق) مدرسه‌ای بنا نمود و مسجد میرشکار را کنار آن ساخت. وقف‌نامه آن در تذکره شوشتر مذکور است. جزایری، ۱۳۸۸: ۱۴۴؛ شرف الدین، بی تا: ۳۴) زمانی که مرحوم آقا سید نعمت‌الله جزایری اعلی‌الله مقامه در سال ۱۰۷۹ هـ ق از حویزه به شوشتر تشریف آورد و قصد اقامت را گذاشت، زمان حکومت فتحعلی خان (پسر واخوشی خان گرجی) (۱۰۷۸-۱۱۰۶ هـ ق) و نایب‌الایالتی برادرش اسلم‌بیک بود و هر دو برادر نهایت ارادت به او داشتند. مسکن او را در جوار مسجد جامع معین نمودند. حاجی محمدتقی کلانتر کاروانسرای در آن محله ساخته بود آن را جهت مدرس سید و مسکن تلامذه مقرر نمود. این مدرسه در زمان سید و تا مدتی بعد از وفات سید دائر بود. در ایام قحطی و هرج و مرج و جنگ‌های داخلی، از طلاب خالی و مدرسین و علمای بلد هر کدام چند نفر طلبه داشت و منزل خودش تدریس می‌کرد تا در سال هزار و سیصد و سی و شش (۱۳۳۶ هـ ق) مرحوم حاج سید ابوالقاسم که از علمای بلد بود و مرحوم حاج سید اسمعیل بزاز که از اخیار بود، مدرسه را تعمیر نموده و آقایان مدرسین و علما را برای تدریس در آنجا آوردند و طلاب علوم دینییه از هر جایی وارد مدرسه شده بود. (شرف الدین، بی تا: ۳۵)

## مدرسه شیخ علی

شیخ علی از مشایخ اشکفتی و از بزرگان علمای زمان خود در شوشتر بود. مسجد و مدرسه و کتابخانه و مقبره قریب به منزل خود در اواخر دولت صفویه بنا نمود. این مدرسه مدت‌ها دایر بود. بعد به فوت آخرین عالم این خانواده تعطیل شد، تا سال ۱۳۳۴ هـ. ش سر و پا بود. زمان احداث خیابان عرضی، داخل در خیابان و برداشته



شد و جزء خیابان گردید. مسجد و مدرسه موقوفاتی داشته‌اند که معلوم نیست، چطور شده‌اند. (شرف الدین، بی تا: ۳۶) از جمله خانواده‌های مشهور به فقہات در محله اشکفتی شوشتر، خانواده عالم زاده بودند که تا اوایل انقلاب اسلامی در این شهر حضور داشته‌اند و امروزه در محله اشکفتی حضور ندارند.

### مدرسه آخوند ملاعبدی و ملا اسماعیل و مدرسه آخوند ملامحمدتقی

آخوند ملا عبدی و ملا اسماعیل هر دو از مدرسین بوده‌اند. در محله موگهی مدرسسه به نام ایشان بود. قریب به منزل ایشان در محله موگهی نزدیک به مسجد حاج نادى بود. ملک بود ورثه متصرف شدند. خانه‌ای شد. این مدرسسه تا حدود سال ۱۳۵۰ هـ ق باقی بود. (شرف الدین، بی تا: ۳۷)

### مدرسه آخوند کباب و مدرسسه مشایخ میدان شیخ

آخوند ملا محمدرضا متخلص به کباب از علمای عصر فتحعلی شاه قاجار بود. زمان ورود فتحعلی شاه قاجار در شوشتر، شاه رسماً به دیدن آخوند کباب آمد. مسجد او مسجد موهی بود. مدرسسه در جای کلات پایین بازار حالیه بوده. کتابخانه او نیز در این مدرسسه بود در زیرخاک‌ها ماند. بعد از صد سال بیرون آمد و کتاب‌های آن خاک شده بودند. تفصیل او در ذکر کتابخانه‌های شوشتر ان شاء الله خواهد آمد. در حدود سال ۱۲۱۸ هـ ق حاج عبدالله شرف‌الدین او را تعمیر نمود. این مدرسسه تا حدود سال ۱۲۳۰ هـ ق سر و پا بوده است. به چه علت با کتابخانه

در زیر خاک دفن شد، معلوم نیست. (شرف الدین، بی تا: ۳۸)

و ایشان را مشایخ میان آب هم گفته‌اند. محله میدان شیخ به نام ایشان است. این مدرسسه از بناهای خود ایشان بود. مقابل بقعه جابر بوده است. در حدود سال ۸۰۰ هـ ق بنا شد. از مدرسین این مدرسسه شیخ مجدالدین و شیخ خلف پسر و شیخ



مجدالدین پسر شیخ خلف و شیخ محمد پسر شیخ مجدالدین در ادوار مختلفه در آنجا تدریس نمودند. بعد از آن اعقاب ایشان شیخ سمیع و شیخ مهدی و شیخ یعقوب و شیخ صالح و شیخ محمد پسرش و شیخ علی، مدرّس این مدرسه بودند. آخرین مدرس ایشان مرحوم شیخ علی تا در حدود سال ۱۳۰۰ هـ ق بود و مدرسه سر و پا بود. بعدها به موت آخرین شخصیت این خانواده مرحوم آقا شیخ علی، بساط علم از این مدرسه برچیده شد (شرف الدین، بی تا: ۳۸) در نزدیکی حسینیه علامه شیخ جعفر شیخ شوشتری در کوچه پل خراطان بوده است.

#### مدرسه امامزاده عبدالله و مدرسه حاج کاظم

امامزاده عبدالله دارای مدرسه و خانقاه بوده. پس از آمدن مرحوم آقا سید نعمت‌الله جزایری تربیت و تدریس مدرسه به او واگذار شده بود.. (شرف الدین، بی تا: ۳۹) قریب ۲۰ قدم پایین مسجد و مدرسه میرشکار بوده به نام حاج کاظم نامی بانی آن که از اهل شو شتر بوده. مشتمل بر چند اطاق و غرفه و شبستان و شوادان بود. مدتی ملاً مکتبی در آن جا شاگرد داشت. در حدود ۳۰ سال است خراب شده. دو آسیاب در دزفول از موقوفات او باقیست. تاریخ بنا معلوم نیست. (شرف الدین، بی تا: ۳۹) بنابر اسناد خاندان بیژن زاده گرجی، که پیش نگارنده می‌باشد موقوفاتی که خاندان گرجی واخوشتی خان وقف نموده‌اند از حوالی شوشتر شروع می‌شده است و شامل باغها و زمین‌های شمس آباد و شاه آباد، سیامنصور، و... در دزفول بوده است. (ولی عرب و بحرانی پور، ۱۳۹۵: ۱۱۰)

#### مدرسه حاج ابوالحسن و مدرسه ماهرو یا مه رو

این مدرسه معروف است به مدرسه مسجد عبدالله بانو و متصل است به مسجد حاج رضا معروف به مسجد عبدالله بانو. مرحوم حاج ابوالحسن پسر برادر حاج رضا بوده.





این مدرسه را بعد از بنای مسجد، متصل به مسجد بنا نمود و مرحوم حاج محمد برادر حاج ابوالحسن او را تعمیر نمود و اضافاتی بر آن اضافه کرد و اواخر صفویه بوده تا سال هزار و صد و نود هجری (۱۱۹۰ ه.ق) دایر بود و محمد بن علی بن حسین بن علی شوشتری در آنجا مدرّس بود بعدها متروک شد و رو به ویرانی نهاد. (شرف الدین، بی تا: ۳۹)

فامیلی ماهرودر شوشتر وجود داشته که بعضی آن‌ها اهل علم بوده‌اند که فعلاً از اعقاب و اخلاف آن‌ها باقیست. ولی در خارج شوشتر مدرسه آن‌ها در محله موگهی هنوز باقیست. قبوری هم در میان مدرسه هست. تاریخ بنا معلوم نیست. در تاریخ کتابخانه‌های ایران، تألیف عبدالعزیز جواهری در کتبی که در تاریخ فوریه ۱۸۲۸ م مسیحی بعد از تصرف آذربایجان ایران و تصرف اردبیل از کتابخانه شیخ صفی‌الدین گریبایدوف سردار روسی از آن کتابخانه به غارت برد، در فهرست آن کتب، هفتاد و یک کتاب مه‌رو تستری را می‌بینیم. این مدرسه در شرف انهدام است. (شرف الدین، بی تا: ۴۰)

#### مدرسه سید محمدعلی سیدعبدالسلام و مدرسه مشهدی حسین

این مدرسه مقابل خانه حاج سید احمد جزایری بنا شده. سید محمدعلی از علمای زمان خودش بوده. اعتمادالسلطنه در مآثرالاثار اشاره به مقامات او می‌کند. از مدرسین شوشتر بوده. مدفن خودش در آن مدرسه است. تاریخ بنا معلوم نیست. مشهدی حسین فرزند حاج محمدتقی نیلساز در محله شاهزید قریب به بقعه و مسجد قاسم زید بوده. احقر قباله خرید زمین او را به خط مرحوم آخوند ملأ محمدرضا کباب دیده‌ام در حاشیه قباله به خط مرحوم آقا سید حسین سید عبدالکریم امام جمعه وقف‌نامه که مشهدی حسین او را وقف نموده مستور است. تاریخ وقف ۲۰ ماه رجب ۱۲۳۱ ه.ق است.

## مدرسه حسن خان و مدرسه آقامیرزا عبدالله مرعشی

نزدیک دروازه آدینه قریب به پل جدید معروف حاج خدایی بانی آن حسن خان بوده که خانه‌اش در آن نزدیکی بوده و از آثار خانه‌اش شوادانی تنها باقی است. حسن خان در دوره صفویه بوده است. اعقاب او از شوشتر به هندوستان رفته. زمین مدرسه فعلاً از اراضی مزروعه و از املاک شخصی محسوبست. آثاری از او باقی نیست. (شرف الدین، بی تا: ۴۰-۴۱)

مرحوم میرزا عبدالله بن میرزا سلطان حسن خان معروف به بیکلریگی در زمان ریاست و حکمرانی خود در شوشتر، مدرسه‌ای بنا کرد. مرحوم سید نعمت‌الله بن محمد هادی بن عبدالله نورالدین جزایری در خاتمه کتاب فائق‌البیان گوید: میرزا عبدالله بن میرزا سلطان حسن خان با وصف اشتغال به خدمات به تقدیم خدمات دیوانی به تطوعات و مسنونات و عباداتی که در شریعت مطهره حث و ترغیب در آن‌ها وارد شده از تهجد لیالی و صیام ایام مخصوصه شهور و سایر مستحبات کمتر چیزی از آن‌ها از او فوت می‌شود به قدر وسع و مقدرت در اعانت فقرا و مواسات و غمخواری غربا و ابناءالسبیل و رفع فاقه محتاجین از خود به قصور راضی نمی‌شود. آغاز بنای مدرسه‌ای در کمال زیب و حسن فضا نموده به اتمام رسانید و به دارالهدایه موسوم ساخت و بعضی املاک و مستغلات خود را به تفصیلی که در

وقف‌نامه آن تحریر یافته، وقف مدرسه قرار داد و اکنون آن مدرسه مسکن طلبه اهل بلد و واردین آن از سایر بلاد و مجمع تدریس علوم است. بنای این مدرسه در سال هزار و دویست و سی و یک هجری قمری (۱۲۳۱ هـ.ق) زمان حکومت مرحوم شاهزاده محمدعلی میرزا پسر فتحعلی شاه در خوزستان بود. این مدرسه عمر طولانی نداشت. پس از چند سالی بیکلریگی کشته شد در سال ۱۲۴۷ هـ.ق و بساط این مدرسه و اساس او برچیده شد. نه جای مدرسه معلوم، نه موقوفات او. (شرف الدین،



بی تا: ۴۱) میرزا عبدالله بن میرزا سلطان حسن خان معروف به بیکلریگی (مرعشی شوشتری) ۱۲۴۷ هـ.ق به قتل رسید: در دوره قاجاریه، خاندان سادات مرعشی هم حکومت داشته‌اند. در این باره صاحب الذریعه الی تصانیف شیعه توضیحاتی داده است. (آقابزرگ، ۱۴۰۸ ق: ۳۵۸/۱۶) سید محمد بن سید عبدالکریم معروف به معلم مدرسه‌ای بنا نمود مقابل خانه خودش در محله قبیلی این مدرسه تا زمان آقا سید احمد معلم باقی بود و عمده تحصیلات مرحوم جدم در این مدرسه بود. بعدها این مدرسه خراب شد. آقا سید محمد معاصر مرحوم آقا سید مهدی بحرالعلوم و مرحوم کاشف‌الغطاء بوده است.

#### کتابخانه‌های مشهور خوزستان

نخستین کتابخانه شخصی متعلق به جعفر بن احمد مروزی (۲۷۴ ق) بوده که پس از مرگ او، فرزندان او مجموعه کتاب‌های وی را به بغداد بردند و حراج کردند. (مرعشی، ۱۳۶۵: ۸۸). مهم‌ترین کتابخانه خاندانی این استان مربوط به آل مشعشع (۸۴۵-۱۰۲۵ هـ.ق) بود که بر بخشی از خوزستان حکومت داشتند. بعضی از رجال این خاندان، و کتابخانه مهمی در حویزه بنا نهادند. سیدعلی خان، والی حویزه، که خود از دانشمندان زمان و صاحب تألیفات متعدد بود می‌توان بر مجموعه کتابخانه افزود، میرزا عبدالله اصفهانی، معروف به افندی تبریزی (۱۱۳۰ هـ.ق) در کتاب خود، ریاض‌العلماء متذکر می‌شود که این کتابخانه در آشوب ۱۱۱۷ هـ.ق از میان رفته است. (افندی تبریزی، ۱۴۰۱ ق: ۴/۱۰۹-۱۱۰) کتابخانه کمال‌الدین خضرشاه دزفولی در شوشتر در اواخر قرن نهم، اهمیت و اعتبار ویژه‌ای داشته که مورد رجوع دانشمندان و محققان بوده است این کتابخانه بیش از یکصد سال در میان این خاندان دوام یافته است. (همایون فر، ۱۳۶۶: ۱۶)

## ۱. کتابخانه میر عبدالوهاب

میر عبدالوهاب صدر مرعشی: سید عبدالوهاب نیز مانند برادرش (میر سید علی) در خدمت پدر مراحل رشد و تحصیلات را طی نمود و به درجات مهمی نائل آمد. میر عبدالوهاب از نویسندگان بزرگ زمان خود بود. از خدمات برجسته وی، تأسیس کتابخانه‌ی بزرگی در شوشتر بود و از این راه خدمات شایانی به مردم شوشتر و ساکنان اطراف آن نمودند. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۲۳؛ مرعشی، ۱۳۶۵: ۸۹/۱) در سال ۹۷۰ هـ.ق شاه طهماسب، میر علاءالملک مرعشی را که از بزرگان زمان خویش بود قاضی عسکر نمود چون میر علاءالملک در شوشتر بود. برادرش عبدالوهاب که در دربار حاضر بود به نیابت از میر علاءالملک قاضی عسکر شد. (قاضی حسینی قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۳۸؛ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱ / ۷۵) وظیفه‌ی قاضی عسکر در دوره‌ی صفوی رسیدگی به امور قضایی ارتش بود. (نوایی، غفاری فرد، ۱۳۸۶: ۳۱۶)

آقا شیخ مهدی شرف الدین می نویسد: قلیل کتبی که از کتابخانه میر باقی مانده بود، دلال‌های یهودی خریده و به اروپا نقل شد. ناگفته نماند که از سال ۱۳۰۰ هـ.ق، دلال‌های متعددی از یهود در شوشتر آمده و در خانه‌ها گردش می‌کردند؛ کتب نفیسه و اشیاء عتیقه که بود بثمان بخش (بهای ناچیزی) می‌خریدند و می‌بردند و نیز بعضی از حکام با سواد کتاب دوست، زمان قاجاریه که در شوشتر حاکم بودند؛ کتب نفیسه زیادی به دست می‌آوردند و با خود به تهران می‌بردند. (شرف الدین، بی تا: ۴۶)

## ۲. کتابخانه سادات

در کتاب فیض الاله در شرح حال قاضی نورالله شوشتری در حالات شیخ عبدالواحد شوشتری استاد مرحوم قاضی نورالله می‌نویسد که شیخ عبدالواحد نقل می‌کند: بعد از





چند مدتی از آنجا (یعنی از خراسان) به شوشتر رفتم و چهار سال در آنجا به مطالعه کتب نفیسه که در کتابخانه سادات عالی درجات بود، مشغول شدم و شرح مبادی اصول در آنجا به نام پادشاه دین پناه شاه طهماسب انارالله برهان نوشتم و هم چنین مسوده شرحی بر تهذیب اصول نمودم و چون کتب نفیسه اصول مثل محصول و نهایت الوصول و تلویح و شروح متعدده منهاج و شروح متعدده تهذیب در کتابخانه بسیار بود؛ در آن علم تأمل بسیار نمودم. شاید بعضی احتمال دهند که این همان کتابخانه میرعبدالوهاب است. ولی قرائنی هست که این کتابخانه جداگانه‌ای بوده در شوشتر. یکی از آن‌ها نبرد نام میرعبدالوهاب با آن همه جلال و ابهت و معاصر بودن شیخ عبدالواحد با او. پس معلوم است که کتابخانه دیگری به این نام بوده است. (شرف الدین، بی تا: ۴۷)

### ۳. کتابخانه مرحوم شرف الدین

مرحوم شرف‌الدین از اجداد شیخ مهدی شرف‌الدین شوشتری متوفی ۱۳۵۳ هـ.ش بوده است، جد بزرگوار ایشان مؤلفات زیاد و حواشی بسیار بر کتب داشته است. در مقدمه طبع جدید احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری در طهران آقا سید شهاب‌الدین نامی از او برده. تاریخ ولادت و وفات او معلوم نیست. صحیفه‌ای به خط ایشان در نجف اشرف دیده شد. تاریخ کتابت سال ۱۰۲۰ هـ.ق معاصر صفویه بوده. کتابخانه مفصلی داشته، تعداد زیادی کتب نفیسه در این کتابخانه بوده. این کتابخانه تا سال ۱۲۴۰ هـ.ق باقی بوده. به مرحوم حاج ملاحسنعلی شرف‌الدین که از اولادزاده‌های او بود، منتقل شد. حاج ملاحسنعلی بسیاری از آن‌ها را وقف نمود. ولی کتب موقوفه چه شد و کجا رفت، معلوم نیست. یک جلد اصول کافی به خط نسخ بسیار پاکیزه از آن‌ها دیدم وقف‌نامه به خط و امضای خودش در پشت کتاب نوشته شده بود. مقداری دیگر که وقف نشدند ارثاً به فرزندان و آخوند

ملاً باقر منتقل شدند. مرحوم جدم نقل کرد: چون مرحوم ملاً حسنعلی زیاد مقروض و راهی برای ادای قرض نبود، با این که ایشان اهل علم و محتاج به کتاب بودند، معذک آن کتب را فروخته به طلبکاران دادند. حتی نقل می‌کرد از آخوند ملاً باقر فرمود: شخصی آمد مطالبه مقداری پول داشت، چیزی نبود عباى خود را فروخته به او دادم. اما کتب موقوفه به علمای شوشتر رسید و قدری از آن‌ها به نجف اشرف و بلاد بعیده افتاد. مقداری که در شوشتر نزد بعض اشخاص بودند چه فروش رفتند و چه از بین رفتند. مقدار کتب این کتابخانه معلوم نیست چقدر بوده. نسب ملاً حسنعلی مذکور بدین وجه است: حسنعلی بن عبدالله بن محمدرضا بن شرف‌الدین و مخفی‌نماند گاهی از اوقات در پشت کتب موقوفه، گاهی از اوقات حاج علی شرف‌الدین می‌نویسد و امضاء می‌کند. (شرف‌الدین، بی تا: ۴۷)

#### ۴. کتابخانه مرحوم آقا سید نعمت‌الله جزایری

در دوره حکومت فتحعلی خان پسر واخوشتی خان گرجی حاکم شوشتر (۱۰۷۸-۱۱۰۶ هـ.ق)، سیدنعمت‌الله جزایری، نی‌ای سادات جزایری خوزستان، از جزایر به حویزه آمده و در آنجا سکونت گزیدند و پس از مدتی به شوشتر عزیمت کند. که نتایج مهم فرهنگی، مذهبی و اجتماعی برای مردم شهر، به همراه داشت و مرحوم سید، ضمن تربیت شاگردان با فضیلت، تألیفات و تصنیفاتی مهم در مسائل اسلامی به رشته تحریر درآورد. با بلاغت و فصاحتی که داشت، در ترویج مذهب شیعه همت گماشت. همچنین از جانب شاه سلیمان صفوی منصب شیخ‌الاسلامی و قضاوت و تدریس و امامت جمعه و جماعت و همچنین تولیت مسجد جامع شهر به وی تفویض گردید. (کسروی، بی تا: ۷۲؛ ولی عرب، بحرانی پور، ۱۳۹۳: ۱۲۵) حاج محمدتقی کلانتر که از رجال شهر و مردی دوستدار علم و دانش بود، و به بنای کاروانسرای در نزدیکی مسجد جامع مشغول بود. آن را به سید تقدیم کرد و سپس سید نیز آن کاروانسرا را با





تغییراتی به مدرسه تبدیل نمود. به نام مدرسه «علمیه جزایریه» معروف گشت، که پس از تجدید بنا، هنوز نیز پا برجا و یکی از کانون‌های نشر معارف اسلامی این شهر است. (محمد جزایری، بی تا: ۴۷)

سید نعمت الله جزایری در سال ۱۰۷۹ هـ ق رهسپار شوشتر گردید و فتحعلی خان پسر واخستوخان که حاکم شوشتر بود به همراه میرزا عبدالله خان مرعشی شوشتری و سایر بزرگان شوشتر، ورود ایشان را گرامی داشتند و به استقبال ایشان شتافتند و خانه‌ای در نزدیکی مسجد جامع شوشتر برای ایشان مهیا ساختند. حاج محمد تقی کلانتر، که مرد نیک فطرتی بود، کاروانسرای را به سید نعمت الله جزایری تقدیم نمود، سید نعمت الله، تغییراتی در آن انجام داد و تبدیل به مدرسه کرد که به نام مدرسه علمیه و مدرسه جزایریه معروف است. (جزایری، ۱۳۴: ۱۳۸۸-۱۳۳-۱۳۲؛ شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱؛ جزایری، ۱۳۷۶: ۳۵)

فتحعلی خان و برادرش کلیه امورات او را تأمین نموده و مرتب کردند و از شاه سلیمان صفوی تمام مناسب شرعیه آن زمان را برای او گرفتند و چون در شوشتر متوطن شد؛ در صدد تألیف و تصنیف بر آمد. به فکر تأسیس کتابخانه‌ای افتاد. در اندک مدتی کتب زیادی جمع نموده قدر چهار، پنج هزار جلد کتب علمی که در کتابخانه جمع داشتند، کتابی نیست که حواشی و تعلیقات به خط مبارک ایشان نداشته یا به تصحیح او نرسیده باشد. این کتابخانه منتقل شد به فرزندش مرحوم آقا سید نورالدین و ایشان نیز کتب زیادی بر آن کتابخانه افزودند و مرحوم آقا سید عبدالله مقدار زیادی بر آن کتب افزودند و کتابخانه را تکمیل نمودند. حتی مرحوم میرزا عبدالله بن عیسی بیک تبریزی معروف به افندی صاحب ریاض العلماء زمانی که به شوشتر آمد، از این کتابخانه استفاده نمود و توضیحاتی در بعض کتب این کتابخانه دادند. مرحوم آقا سید عبدالله جزایری در اجازه بزرگ خود که در تاریخ



دوم جمادی‌الثانیه ۱۱۶۷ هـ ق که برای چهار نفر از علمای حویزه می‌نویسد و یک نسخه از آن در کتابخانه شوشتری‌ها در نجف اشرف موجود و کتاب مستقلی است. (شرف‌الدین، بی تا: ۴۸) می‌گوید: که میرزا عبدالله افندی بر ما وارد شد و کتاب‌های زیادی که اول و آخر آن‌ها ناقص بود یا مؤلفین آن‌ها بر پدرم معلوم نبود، به ایشان نشان دادیم. نام مؤلفین آن‌ها را برای پدرم معلوم کرد و از وجود ایشان استفاده بسیار نمودیم. این کتابخانه به نقل بعضی از اهل علم سادات جزایری، مقدار کتب آن ده یا دوازده هزار جلد کتاب بود. بعد از فوت مرحوم آقا سید عبدالله قدری از آن‌ها به دست ورثه افتاد و به کتابخانه برگشتند. مقدار زیادی از آن‌ها طعمه ارضه و نصیب نهر کارون گردید. مقداری از آن‌ها به نجف اشرف و هند و بصره و بحرین و دزفول و طهران و سایر بلاد متفرق شد. بعضی از آن‌ها فروش رفت و به اروپا افتاد. مقداری از آن‌ها باقی ماند و به اشخاص ناهل رسید و تکه و پاره شد. مرحوم جدم آخوند ملاً جعفر شرف‌الدین اعلی‌الله مقامه، گفت: وقتی صبح فرستادم برای خریدن چند منقال چایی از بقال، وقتی که آوردند، دیدم در ورق کهنه کتابی پیچیده است، ملاحظه کردم ورقی از کتاب انوارالنعمانیه به خط خود سید جزایری بود. آمدم نزد بقال گفتم: آن ورقه که چایی در آن پیچیدی دیگر از آن نزد تو هست؟ گفت: چرا. حاضر کرد، دیدم جلد اول انوار است. ملاحظه کردم دوکراس از اول آن ناقص بود. معلوم شد اجناسی در آن‌ها پیچیده و فروخته است. گفتم: این را از کجا به دست آوردی؟ گفت: دو روز قبل، از شخصی به چند پول گرفتم. او را خریده و صحافی نمودم و فعلاً در کتابخانه احقر موجود است و نیز یک جلد اربعین حدیث شیخ بهایی که خط سید در آخر آن نوشته است و از بعضی اشخاص خریده شده است در کتابخانه شرف‌الدین موجود است و نیز یکی از



مجلدات ریاض‌الابرار به خط خود سید در کتابخانه شرف‌الدین است. (شرف‌الدین، بی تا: ۴۸-۴۹)

#### ۵. کتابخانه سید محمدهادی و سادات شیشه‌گرخانه

مرحوم سید محمدهادی از علمای زمان خود و معارف شوستر بود و کتابخانه‌ای تأسیس نموده، دارای پانزده هزار جلد کتاب بود. این کتابخانه منتقل شد به اخلاف او، سادات شیشه‌گرخانه در محله عبدالله بانو و آن‌ها غالباً اهل علم و فضل بودند. از آن‌ها مرحوم آقا سید محمدعلی را دیدم که شخص دانشمندی بود و در علوم ریاضی ید طولائی داشت. در اواخر، گوشه‌انزوا را اختیار نمود و در عشرت بر روی مردم بست تا در تاریخ جمادی الاول سنه ۱۳۴۲ هـ ق در شوستر فوت شد. از آن‌ها بود سید ابوالحسن که در جمیع علوم ید طولائی داشت بالاخص نجوم و حروف و طلسمات. پسرش حاج سید محمدباقر بنی‌هاشمی از اطبای معروف شوستر بود. این کتابخانه به ورثه تقسیم شد. مقداری از آن را ارضه ضایع کرد و از بین برد و قسمت نهر کارون گردید، تعداد زیادی از آن‌ها فروخته شد و از ایران خارج گردید. مقداری از نفائس آن کتب به توسط حکام سابق شوستر خریده شد و به طهران منتقل گردید. یکی از احفاد او این اطلاعات را روز پنجشنبه دوازدهم ماه ذی‌الحجه ۱۳۷۳ هـ ق این اطلاعات را به من داد و گفت: تا سال ۱۳۴۰ هـ ق به اندازه چهار هزار جلد از آن‌ها باقی بود. دلالتان خارجی خریده و بردند و فعلاً هیچ از آن‌ها باقی نیست. (شرف‌الدین، بی تا: ۵۰)

#### ۶. کتابخانه آخوند کباب

نام ایشان ملا محمدرضا متخلص در اشعار به کباب از فحول علمای شوستر و مدرسین این بلد بود. شخصی بود متقی، پرهیزگار، در جمیع علوم، نادره عصر خود بود. با فتحعلی شاه قاجار معاصر بود. مرحوم فتحعلی شاه سالی که به شوستر آمد،

در مدرسه از ایشان دیدن نمود. مرحوم آخوند کباب خط نسخ را بسیار خوب می‌نوشت. قره‌العین آخوند فیض و چند کتاب دیگر به خط ایشان دیده‌ام. این کتابخانه بزرگ و کتب بسیاری در آن بود. معلوم نیست به چه جهت در زیر زمین ماندند. کسی از ایشان مطلع نشد تا در حدود سال ۱۳۲۰ هـ.ق، طرف شرقی کلات پایین بازار را بنیادروبی کردند برای ساختمان چند باب دکان. در ته بنیاد برخورد کردند به در شبستان. در را که برداشتند دو شبستان داخل هم بود. وقتی خاک‌های آن‌ها را برداشتند، دیدند طاقچه‌های زیادی دارند و همه پر از کتاب‌اند. وقتی که دست به آن‌ها زدند، تمام خاک شدند. غالباً آن‌ها با جلدهای اعلای خاتم کاری و ورق‌های مذهب و جدول مطلا کشیده. ولی اگر کس دانایی بود، می‌توانست بعضی آن‌ها را سالم به دست بیاورد یا تعداد این‌ها را معین کند. نه تنها این کتابخانه از بین رفت؛ بلکه با از بین رفتن او نام بسیاری از علما و فضیلتی اسلامی بالاخص شوشتر از بین رفت. بعضی کتب کتابخانه آخوند کباب هنوز در دست مردم است و شاید در حال حیات خودش آن‌ها به دست مردم افتاده‌اند. علت متوجه نشدن مردم و ماندن آن‌ها در زیر خاک بر احقر معلوم نشد. آن‌ها را بار کردند و در نهر کارون ریختند. (شرف‌الدین، بی تا: ۵۱)

#### ۷. کتابخانه مشایخ میدان شیخ

مشایخ میدان شیخ که آن کوی، به نام ایشان است، عده زیادی بوده‌اند و اشخاصی داشته‌اند از علما و دانشمندان تراز اول شوشتر و همه دارای مؤلفات بوده‌اند. نام بعضی آن‌ها در ذکر مدارس شوشتر و تفصیل مدرسه ایشان گذشت. در علم و فضل و تقوی و پرهیزگاری و سماحت یگانه آفاق بوده‌اند. گذشته از شوشتر در عراق عرب مخصوصاً نجف اشرف، صاحب نام و معروفیت و خانه و زندگانی بوده‌اند. بعد از این ذکر بعضی از وجود و معارف آن‌ها خواهد آمد. کتابخانه بزرگ و معظمی



داشته‌اند که در زمان خودش بی‌نظیر بوده است و در میان مدرسه ایشان مورد استفاده عموم بوده. تعداد کتاب‌های آن معلوم نشد چقدر بوده‌اند. مقدار زیادی از آن کتب به مرحوم آقا شیخ علی بن شیخ محمد بن شیخ صالح بن شیخ سمیع بن شیخ مجدالدین رسید که آخرین شخصیت علمی آن‌ها بود و او در بیست و دوم ماه رجب ۱۲۸۸ هـ.ق وصیت نامه‌ای نوشته که به خط خودش نزد احقر موجود است. (شرف الدین، بی تا: ۵۱)

#### ۸. کتابخانه مشایخ اشکفتی

مشایخ اشکفتی طایفه‌ای بودند به این نام. جمع زیادی از ایشان از علمای شوشتر بوده‌اند. لکن به واسطه از بین رفتن کتابخانه ایشان و ضبط نشدن تاریخ علمی شوشتر، نام‌های ایشان معلوم نیست. از مشاهیر ایشان شیخ علی نامی بوده که مسجد اشکفتی به نام او مشهور است و مدرسه آن‌ها مقابل مسجد بوده کتابخانه آن‌ها در همان مدرسه بوده و در دسترس طلبه و اهل علم بوده، مقدار کتب این کتابخانه تقریباً دو هزار جلد بوده و بعضی از آن‌ها خط مؤلفین و نسخه اصل بوده‌اند. این کتابخانه به ورثه او رسید. چون اهل علم نبودند، قدری را فروختند و قدری را بخشیدند. بعضی از آن‌ها باقی بود تا سال ۱۳۵۰ هـ.ق چند جلدی از آن‌ها دیدم با خط درشت نسخ و جلد اعلا، در لغت و در اخبار و احادیث بودند. یکی از آن‌ها دیدم در علم تشریح با نقشه‌های قلمی بدن آدمی از پوست و استخوان و رگ و پی حتی یک صفحه از آن حال جنین را در شکم مادر نشان می‌داد. تاریخ آن کتاب در حدود سال ۸۰۰ هجری یک نفر یهودی عتیقه خر چند سال سعی کرد تا آن کتاب را در حدود چهار تومان از صاحبش خرید. کتابخانه به همین طریق فروش رفت و بعضی آن‌ها ضمیمه کتابخانه، بعضی اهل علم شوشتر شدند. مقدار زیادی از آن‌ها خراب شد و به رود کارون ریخته گردید. (شرف الدین، بی تا: ۵۲)

## ۹. کتابخانه حاج آقا محمد زمان

حاج آقا محمدزمان از اعیان و اشراف و تجار درجه اول شوشتر بود و حاج آقای مطلق در شوشتر مراد ایشانست و فعلاً خانه حاج آقا در این بلد معروف‌اند. ساکن محله اشکفتی بود. عمارات زیادی از ایشان باقی مانده، اخلاف ایشان در شوشتر و در بمبئی هستند. (ولی عرب، ۱۳۹۵: ۱۶۵) حاج آقا محمدزمان شخص باکمالی بود و محب کتاب بود. کتب نفیسه زیادی جمع نمود. کتابخانه‌ای تأسیس کرد. تعداد آن دوازده هزار جلد کتاب بود. تمام آن‌ها خطی، غالب آن‌ها مذهب و جدول طلا کشیده و جلدهای منقش قیمتی بود و کتب نادره‌ای در آن کتابخانه بود که نسخه اصل بودند. شنیدم سالی در اصفهان قحطی واقع شد. حاج آقا محمدزمان در آنجا تجارتخانه‌ای داشت مردم می‌آمدند اشیاء نفیسه و کتب قیمتی را می‌آوردند، به ایشان می‌فروختند. غالب کتاب‌های این کتابخانه از آنجا بوده و مقداری هم خودش در شوشتر داشت. حاج آقا محمدزمان هر چه می‌خرید فوراً به شوشتر می‌فرستاد. پس از رفع گرانی، مردم اصفهان در صدد افتادند خانه او را غارت کنند و آن کتب نفیسه را ببرند. حاج آقا محمدزمان فهمید، شبانه فراری شد و به شوشتر آمد. بعد از حاج آقا محمدزمان کتابخانه منتقل به ورثه ایشان شد. تمام آن کتابخانه به جز مقداری کمی از آن ورثه به مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری بخشیدند و ضمیمه کتابخانه او شد. بعضی از آن‌ها که ماندند به ثمن بخش فروش رفتند. از قرآن‌های این کتابخانه یکی در سال ۱۳۶۷ ه. ق دیدم، به ششصد تومان فروش رفت. در صورتی که ارزش او بیش از این بود. مقدار دیگر نیز به دلالت خارجی فروخته شد و به اروپا نقل گردید. مقداری هم ضایع شد و به رودخانه کارون ریخته شد. (شرف الدین، بی تا: ۵۳)



## ۱۰. کتابخانه مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری

مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری متولد در ۱۲۲۸ هـ.ق از علمای معروف و مشهور. کتاب غنیمت‌السفر آقامیرزا محمد همدانی در معرف ایشان کافیت و بعد از این شرح حال ایشان خواهد آمد. در سال ۱۲۵۵ هجری. پس از تکمیل تحصیلات به شوشتر آمد. طرف توجه مردم قرار گرفت. حسینیه و کتابخانه‌ای تأسیس نمودند که در قرون اخیره کمتر کتابخانه‌ای مانند آن دیده شده یا شنیده شده. فرزندزاده ایشان مرحوم حاج شیخ محمدکاظم برای احقر نقل کرد که مرحوم جدم حاج شیخ جعفر، سی و دو هزار جلد کتاب به دست آورد و مرحوم شیخ محمدعلی پدرم هیچ‌ده هزار مجلد به دست آورده بود. غالب کتابخانه‌هایی که در شوشتر باقی مانده بود، به این کتابخانه منتقل شدند و از بلاد دیگری نیز کتب برای ایشان فرستاده می‌شد. غالب این کتب خطی به خطوط بسیار پاکیزه و ممتاز و مذهب و مجلد خاتم بودند. این کتابخانه تا حال حیات مرحوم آقا شیخ محمدعلی مورد استفاده خودشان بود. بعد از فوت مرحوم حاج شیخ محمدعلی، مقدار دو‌یست جلد نزد فرزند بزرگ ایشان، آقا شیخ محمدجواد بود. بعد از فوت آقا شیخ محمدجواد و پسرش آن‌ها را آوردند نزد حاج ملا محمد کسایی. دو جلد شرح ابن‌خاتون از آن‌ها دیدم. یکی بر پوست آهو نوشته، دیگری بر کاغذ ترمه با خط نسخ خوب. آن که بر پوست آهو بود، جدول طلا کشیده مذهب، به پنج تومان فروش رفت و دیگری که تاریخ کتابت آن عصر روز پنجشنبه دوم ماه جمادی‌الثانیه ۱۰۷۲ هـ.ق بود، سه تومان فروخته شد. این کتابخانه از سال ۱۳۲۲ هـ.ق به عللی که از شرح آن خودداری می‌کنم در آن مقفل شد و احدی را نگذاشتند از او منتفع شود. مرحوم آقا سید نورالدین امام مقدار سیصد جلد از نفائس این کتب را به تدابیری چند به دست آورد، باقی در کتابخانه ماندند در به روی آن‌ها بسته. همه

ساله چند نفر اجیر کرده می‌آوردند مدت زیادی گردگیری می‌نمودند و جا به جا می‌کردند. مقدار زیادی از خرابه‌ها و ارضه خورده آن‌ها نصیب رودخانه کارون می‌شد. پس از مدتی مانع مرتفع شد، کتابخانه باز گردید. حاج آقا ضیاءالدین محیط برایم نقل نمود که چهار هزار جلد بیشتر از این کتابخانه باقی نمانده بود. غالب آن‌ها هم خراب و غیرقابل انتفاع‌اند. تضييع این کتابخانه هم باعث از بین رفتن نام جمعی از علما شد. بالاخص علمای شو شتر و تاریخ علمی شو شتر را ظلمانی و تاریک نمود. (شرف الدین، بی تا: ۵۴)

#### ۱۱. کتابخانه مرحوم آقا سید علی سید

مرحوم آقا سید علی فرزند مرحوم آقای سید حسین از علمای زمان خود بود. در مسجد حسین امامت داشت. خانه ایشان هم مقابل مسجد بود. مدفن او هم قریب به مسجد است در مقبره خانوادگی خود در جوار مسجد، کتابخانه ایشان به اندازه هزار و پانصد جلد کتاب خطی و چاپی دارا بود. دو تا از پسرانش مرحوم حاج سید علی محمد و حاج سید بزرگ هر دو از علمای زمان خود بودند و احقر خدمت ایشان را درک نمودم. کتابخانه به ایشان منتقل شد. کتابخانه مرحوم حاج آقا سید مهدی فرزند مرحوم حاج سید علی محمد که در مدینه طیبه متوطن بود؛ بعد از فوتش در آنجا از مدینه به شو شتر نقل شد و به پدرش به ارث رسید. بعد از فوت حاج سید علی محمد و حاج سید بزرگ به ورثه منتقل شدند و به فروش رفتند. (شرف الدین، بی تا: ۵۵)

#### ۱۲. کتابخانه مرحوم حاج سید عبدالصمد جزایری

مرحوم حاج سید عبدالصمد بن حاج سید احمد جزایری شو شتری از اجله علما و مجتهدین و از بزرگان اهل علم و اعیان شو شتر بود. بعد از تکمیل تحصیلات به





شوستر تشریف آورد. مشغول نشر علم و ترویج دین شد. کتابخانه‌ای تأسیس نمود. قریب سه هزار جلد از مطبوع و مخطوط که بعضی آن‌ها نُسَخ منحصراً بود و در کتابخانه‌های دیگر پیدا نمی‌شد. مرحوم حاج سید عبدالصمد در سال هزار و سیصد و سی و هفت هجری قمری در شوستر فوت شد. این کتابخانه تا مدتی باقی بود. بعدها مابین وراثت تقسیم شد. بعضی از ورثه سهمیه خود را به کتابخانه معارف اهواز بخشیدند. بعضی به شوستر ماند. قسمتی به اهواز و نجف اشرف و کربلا نقل شد. بعضی به قم رفتند و در آنجا فروش رفتند. (شرف الدین، بی تا: ۵۶)

### نتیجه گیری

خاندان شرف الدین از اصیل‌ترین خاندان‌های شوستر هستند و جد اعلای ایشان سهل بن عبدالله تستری (متوفی ۲۸۳ هـ ق) می‌باشد. ایشان از مورخان و فقیهان بزرگ شوستر بوده‌اند که تاریخ شوستر را نگاشته‌اند. این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است، در نسخه خطی کتاب تاریخ شوستر آقا شیخ مهدی شرف الدین که در واقع تکمیل‌کننده کتاب تذکره سیدعبدالله جزایری متوفی ۱۱۷۳ هـ ق می‌باشد نکات بسیار ارزشمند و نادری درباره شوستر ذکر می‌شود که در هیچ منبع دیگری ذکر نشده است. آقا مهدی شرف الدین در واقع خاتم مورخان کهن شوستر می‌باشد. پژوهش حاضر بر پایه کتاب تاریخ شوستر آقا شیخ مهدی شرف الدین گردآوری شده است که نشانده فرهنگ و حیات فرهنگی شوستر در دوره صفویه تا قاجاریه می‌باشد. مدارس و کتابخانه‌های شوستر نقش اساسی در تربیت دینی و مذهبی طالبان علم داشته است. در شوستر مساجد، مدارس و کتابخانه‌ها، در یک مکان وسیع ساخته می‌شده‌اند. برخی از این مساجد چندین حجره و باب مغازه وقف خود داشته‌اند. هزینه‌های دریافتی از این مغازه‌ها صرف مرمت و بازسازی مساجد و مدارس و



کتابخانه‌ها می‌شده است. با از بین رفتن مدارس و کتابخانه‌ها در شوشتر، وضعیت فرهنگی این شهر، تنزل پیدا کرد. بیشتر مشتاقان علم و دانش برای کسب علوم دینی به شهرهای دیگری همچون مشهد، اصفهان، نجف، سامرا، کربلا مهاجرت نمودند و در این شهرها برای همیشه ماندگار شدند. بسیاری از نخبگان و فرهیختگان شوشتری، از خانواده‌های مرعشی، جزایری، آل طیب و شیخ شوشتری که مدرسان حوزی و محققان دینی شوشتر محسوب می‌شدند، از شوشتر مهاجرت کردند و در عراق (شهرهای نجف، کربلا، سامرا، کاظمین) و هندوستان (شهرهای آگره (آگرا)، کلکنه، بمبئی) وفات نموده‌اند.

## منابع

- افندی تبریزی، میرزا عبدالله (۱۴۰۱ ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلا*، قم: مطبعه الخی‌ام.
- ابن بطوطه، شمس الدین (۱۳۷۶). *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمد علی موحد، تهران: آگه.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۶۰). *تاریخ الفخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تهران: امیرکبیر.
- حسینی القمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسین (۱۳۸۳). *خلاصه‌ی التواریخ*، تهران: دانشگاه تهران.
- جزایری شوشتری، سیدعبدالله (۱۳۸۸). *تذکره شوشتر*، مقدمه و تصحیح مهدی کدخدای طراح، اهواز: ترآوا.



جزایری، سید محمد (بی تا). شجره مبارکه یا برگی از تاریخ خوزستان، اهواز: بی نا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). نابغه فقه و حدیث سید نعمت الله جزایری، قم: مجمع الفکر الاسلامی.

جنید شیرازی، جنید بن محمود، (۱۳۶۴). تذکره هزار مزار، تهران: کتابخانه احمدی شیراز.

خصری، سید احمد و دیگران (۱۳۸۶). تاریخ تشیع ۲ (دولت‌ها و خاندان‌ها و آثار علمی و فرهنگی شیعه)، تهران: سمت.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (ق). تاریخ بغداد، بیروت: دار الکتب العلمیه.

شرف الدین، آقا شیخ مهدی (بی تا). تاریخ شوشتر، نسخه خطی، بی جا: بی نا.

تهرانی، شیخ آقابزرگ (۱۴۰۸ ق). الذریعه إلى تصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان<sup>۰</sup> اسلامیه.

شوشتری مرعشی الحسینی، علاء الملک (۱۳۵۲). فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، تصحیح میرجلال الدین ارموی محدث، تهران: بهمن.

شوشتری، میر عبداللطیف خان (۱۳۶۳). تحفه العالم، به اهتمام صمد موحد، تهران: طهوری.

شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۶۵). مجالس المؤمنین، تهران: اسلامیه.

کسروی، احمد (بی تا). تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان، تهران: خواجه.

مرعشی، علی اکبر (۱۳۶۵). شجره خاندان مرعشی، تهران: بی نا.

ولی عرب، مسعود و علی بحرانی پور (۱۳۹۳). تاریخ شوشتر از ورود اسلام تا پایان

حکومت سادات مرعشی ۱۷- ۹۸۵ هـ ق، اهواز: تراوا.

ولی عرب، مسعود (بهار ۱۳۹۵). «بررسی تأثیر تجارت و بازرگانی بر حیات اقتصادی شوشتر در دوره قاجاریه»، فصلنامه علمی - تخصصی تاریخنامه خوارزمی، دانشگاه خوارزمی، ش ۱۱.

همایونفر، رکن الدین (۱۳۴۷). تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ش ۶۶.

نوایی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



دانشگاه خوارزمی

مدارس و کتابخانه‌های شوشتر در دوره قاجار



تاریخنامه خوارزمی - فصلنامه علمی - تخصصی - سال چهارم، زمستان ۱۳۹۵



۱۹۸